

به نام خداوند زیبا سخن

آینه درون

عزیز به خویشتن خویش با سعدی

(عصاره تفکرات و تأملات عرفانی،
اجتماعی و تربیتی گلستان سعدی)

فسرین صمدی

انتشارات شفیمی

۱۴۰۳

سرشناسه :	صمدی، نسرين، ۱۳۴۳-
عنوان قراردادی :	گلستان، برگزیده، شرح
عنوان و نام پدیدآور :	آئینه درون: سفری به خویشن خویش با سعدی (عصاره تفکرات و تأملات عرفانی، اجتماعی و تربیتی گلستان سعدی) / نسرين صمدی.
مشخصات نشر :	تهران: انتشارات شفیعی، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری :	۲۲۲ص
شابک :	978-622-5926-28-8
وضعیت فهرست نویسی :	فبا
یادداشت :	چاپ قلی کتاب حاضر با عنوان آئینه درون: (عصاره تفکرات و تأملات عرفانی، اجتماعی و تربیتی گلستان سعدی) توسط انتشارات مهرمعلم در سال ۱۴۰۲ منتشر شده است.
عنوان دیگر :	سفری به خویشن خویش با سعدی (عصاره تفکرات و تأملات عرفانی، اجتماعی و تربیتی گلستان سعدی).
عنوان دیگر :	آئینه درون (عصاره تفکرات و تأملات عرفانی، اجتماعی و تربیتی گلستان سعدی).
موضوع :	سعدی، مصلح بن عبدالله. - ۱۳۹۱ ق. - گلستان - نقد و تفسیر Sadi, Mosleh-ibn abdollah, Golestan - Criticism and interpretation نثر فارسی - قرن ۷ ق. - تاریخ و نقد Persian prose literature - 13th century - History and criticism شعر فارسی - قرن ۷ ق. - تاریخ و نقد Persian poetry - 13th century - History and criticism سعدی، مصلح بن عبدالله. - ۱۳۹۱ ق. گلستان، برگزیده، شرح
سازنده داده :	PIR۵۲۱۲
رده بندی کنگ :	۸۸۸ (۳۱)
رده بندی دیویی :	۹۰۰۱۶۲۲
شماره کتابشناسی ملی :	فبا
اطلاعات رکورد کتابشناسی :	



آئینه درون

(عصاره تفکرات و تأملات عرفانی، اجتماعی و تربیتی گلستان سعدی)

نسرين صمدی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳

چاپ و صحافی: نقشینه

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۹۲۶-۲۸-۸

حق چاپ و نشر برای انتشارات شفیعی محفوظ است.

انتشارات شفیعی: تهران، میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید، ساختمان اردیبهشت، شماره ۶۵،

طبقه همکف، تلفن: ۶۶۴۹۴۶۵۴

تلفن تماس مؤلف: ۰۹۱۴-۲۵۰۲۳۳۸

فهرست مطالب

۱۱.....	مقدمه
۱۵.....	گزیده حکایات باب اول: «در سیرت پادشاهان»
۱۶.....	حکایت اول
۱۸.....	حکایت دوم
۱۹.....	حکایت سوم
۲۲.....	حکایت چهارم
۲۶.....	حکایت پنجم
۲۸.....	حکایت ششم
۲۹.....	حکایت هفتم
۳۰.....	حکایت هشتم
۳۱.....	حکایت نهم
۳۳.....	حکایت دهم
۳۴.....	حکایت یازدهم
۳۶.....	حکایت دوازدهم
۳۷.....	حکایت سیزدهم
۳۸.....	حکایت چهاردهم
۳۹.....	حکایت پانزدهم
۴۰.....	حکایت شانزدهم
۴۲.....	حکایت هفدهم
۴۳.....	حکایت هجدهم
۴۳.....	حکایت نوزدهم
۴۵.....	حکایت بیستم

۴۶	 حکایت بیست و یکم
۴۸	 حکایت بیست و دوم
۴۹	 حکایت بیست و سوم
۵۰	 حکایت بیست و چهارم
۵۱	 حکایت بیست و پنجم
۵۲	 حکایت بیست و ششم
۵۲	 حکایت بیست و هفتم
۵۴	 حکایت بیست و هشتم
۵۷	 گزیده حکایات باب دوم: «در اخلاق درویشان»
۵۸	 حکایت اول
۵۹	 حکایت دوم
۶۰	 حکایت سوم
۶۳	 حکایت چهارم
۶۴	 حکایت پنجم
۶۵	 حکایت ششم
۶۶	 حکایت هفتم
۶۷	 حکایت هشتم
۶۸	 حکایت نهم
۶۹	 حکایت دهم
۶۹	 حکایت یازدهم
۷۱	 حکایت دوازدهم
۷۲	 حکایت سیزدهم
۷۳	 حکایت چهاردهم
۷۳	 حکایت پانزدهم
۷۵	 حکایت شانزدهم
۷۵	 حکایت هفدهم
۷۶	 حکایت هجدهم
۷۸	 حکایت نوزدهم
۷۹	 حکایت بیستم

۷۹		حکایت بیست و یکم
۸۱		حکایت بیست و دوم
۸۲		حکایت بیست و سوم
۸۴		حکایت بیست و چهارم
۸۵		حکایت بیست و پنجم
۸۵		حکایت بیست و ششم
۸۶		حکایت بیست و هفتم
۸۶		حکایت بیست و هشتم
۸۹		حکایت بیست و نهم
۸۹		حکایت سی ام
۹۰		حکایت سی و یکم
۹۱		حکایت سی و دوم
۹۲		حکایت سی و سوم
۹۳		گزیده حکایات باب نهم «در فضیلت قناعت»
۹۴		حکایت اول
۹۵		حکایت دوم
۹۶		حکایت سوم
۹۶		حکایت چهارم
۹۷		حکایت پنجم
۹۸		حکایت ششم
۹۹		حکایت هفتم
۹۹		حکایت هشتم
۱۰۰		حکایت نهم
۱۰۱		حکایت دهم
۱۰۲		حکایت یازدهم
۱۰۲		حکایت دوازدهم
۱۰۳		حکایت سیزدهم
۱۰۶		حکایت چهاردهم
۱۱۶		حکایت پانزدهم

۱۱۹	گزیده حکایات باب چهارم: «در فواید خاموشی»
۱۲۰	حکایت اول
۱۲۱	حکایت دوم
۱۲۲	حکایت سوم
۱۲۳	حکایت چهارم
۱۲۴	حکایت پنجم
۱۲۴	حکایت ششم
۱۲۵	حکایت هفتم
۱۲۵	حکایت هشتم
۱۲۶	حکایت نهم
۱۲۷	حکایت دهم
۱۲۸	حکایت یازدهم
۱۲۹	گزیده حکایات باب پنجم: «در عشق و جوانی»
۱۳۰	حکایت اول
۱۳۱	حکایت دوم
۱۳۳	حکایت سوم
۱۳۴	حکایت چهارم
۱۳۵	حکایت پنجم
۱۳۹	گزیده حکایات باب ششم: «در ضعف و پیری»
۱۴۰	حکایت اول
۱۴۲	حکایت دوم
۱۴۴	حکایت سوم
۱۴۵	حکایت چهارم
۱۴۵	حکایت پنجم
۱۴۶	حکایت ششم
۱۴۷	گزیده حکایات باب هفتم: «در تأثیر تربیت»
۱۴۸	حکایت اول
۱۵۰	حکایت دوم
۱۵۱	حکایت سوم

۱۵۳.....	حکایت چهارم
۱۵۵.....	حکایت پنجم
۱۵۵.....	حکایت ششم
۱۵۶.....	حکایت هفتم
۱۵۷.....	حکایت هشتم
۱۵۸.....	حکایت نهم
۱۵۹.....	حکایت دهم
۱۵۹.....	حکایت یازدهم
۱۶۰.....	حکایت دوازدهم
۱۶۱.....	حکایت سیزدهم
۱۶۱.....	حکایت چهاردهم
۱۶۳.....	حکایت پانزدهم
۱۶۳.....	حکایت شانزدهم
۱۷۱.....	حکایت هفدهم
۱۷۷.....	گزیده حکایات باب هستی: «آداب صحبت»
۱۷۸.....	حکایت اول
۱۷۹.....	حکایت دوم
۱۸۰.....	حکایت سوم
۱۸۱.....	حکایت چهارم
۱۸۱.....	حکایت پنجم
۱۸۱.....	حکایت ششم
۱۸۲.....	حکایت هفتم
۱۸۳.....	حکایت هشتم
۱۸۳.....	حکایت نهم
۱۸۴.....	حکایت دهم
۱۸۴.....	حکایت یازدهم
۱۸۵.....	حکایت دوازدهم
۱۸۵.....	حکایت سیزدهم
۱۸۶.....	حکایت چهاردهم

۱۸۶.....	حکایت پانزدهم
۱۸۷.....	حکایت شانزدهم
۱۸۷.....	حکایت هفدهم
۱۸۸.....	حکایت هجدهم
۱۸۸.....	حکایت نوزدهم
۱۸۹.....	حکایت بیستم
۱۹۰.....	حکایت بیست و یکم
۱۹۰.....	حکایت بیست و دوم
۱۹۰.....	حکایت بیست و سوم
۱۹۱.....	حکایت بیست و چهارم
۱۹۱.....	حکایت بیست و پنجم
۱۹۱.....	حکایت بیست و ششم
۱۹۲.....	حکایت بیست و هفتم
۱۹۳.....	حکایت بیست و هشتم
۱۹۳.....	حکایت بیست و نهم
۱۹۴.....	حکایت سی ام
۱۹۴.....	حکایت سی و یکم
۱۹۵.....	حکایت سی و دوم
۱۹۵.....	حکایت سی و سوم
۱۹۶.....	حکایت سی و چهارم
۱۹۶.....	حکایت سی و پنجم
۱۹۷.....	حکایت سی و ششم
۱۹۷.....	حکایت سی و هفتم
۱۹۸.....	حکایت سی و هشتم
۱۹۸.....	حکایت سی و نهم
۱۹۹.....	حکایت چهلیم
۲۰۰.....	حکایت چهل و یکم
۲۰۰.....	حکایت چهل و دوم
۲۰۰.....	حکایت چهل و سوم

۲۰۱.....	حکایت چهل و چهارم.....
۲۰۲.....	حکایت چهل و پنجم.....
۲۰۲.....	حکایت چهل و ششم.....
۲۰۲.....	حکایت چهل و هفتم.....
۲۰۳.....	حکایت چهل و هشتم.....
۲۰۴.....	حکایت چهل و نهم.....
۲۰۴.....	حکایت پنجاهم.....
۲۰۵.....	حکایت پنجاه و یکم.....
۲۰۵.....	حکایت پنجاه و دوم.....
۲۰۶.....	حکایت پنجاه و سوم.....
۲۰۶.....	حکایت پنجاه و چهارم.....
۲۰۷.....	حکایت پنجاه و پنجم.....
۲۰۸.....	حکایت پنجاه و ششم.....
۲۰۹.....	حکایت پنجاه و هفتم.....
۲۰۹.....	حکایت پنجاه و هشتم.....
۲۱۰.....	حکایت پنجاه و نهم.....
۲۱۱.....	حکایت شصتم.....
۲۱۲.....	حکایت شصت و یکم.....
۲۱۲.....	حکایت شصت و دوم.....
۲۱۳.....	حکایت شصت و سوم.....
۲۱۳.....	حکایت شصت و چهارم.....
۲۱۴.....	حکایت شصت و پنجم.....
۲۱۴.....	حکایت شصت و ششم.....
۲۱۵.....	حکایت شصت و هفتم.....
۲۱۵.....	حکایت شصت و هشتم.....
۲۱۶.....	حکایت شصت و نهم.....
۲۱۶.....	حکایت هفتادم.....
۲۱۷.....	حکایت هفتاد و یکم.....
۲۱۸.....	حکایت هفتاد و دوم.....

- ۲۱۸..... حکایت هفتاد و سوم
- ۲۱۹..... حکایت هفتاد و چهارم
- ۲۲۰..... حکایت هفتاد و پنجم
- ۲۲۰..... حکایت هفتاد و ششم

مقدمه

شیخ مصلح‌الدین بن عبدالله معروف به سعدی شیرازی از بزرگان ادب پارسی در بین سال‌های ۶۰۶-۶۰۵ ه.ق در خانواده‌ای دین‌دار دیده به جهان گشود. در کودکی سایه پدر از سرش برفت و در دامن مادر پرورش یافت. سعدی از جهانگردان معروف عصر خود بود. سفر طولانی قریب به چهل ساله وی، دیدار از بین‌النهرین، شام، حجاز و شمال آفریقا بود؛ و حاصل این سفر شاهکارهای بوستان و گلستان سعدی است.

این شاعر و متفکر ایرانی پس از سفرهای متعدد در حدود سال ۶۵۵ ه.ق به زادگاه خود شیراز برگشت و کتاب ایسن را بنگاشت، و در بین سال‌های ۶۹۴-۶۹۱ ه.ق وفات یافت و پیکر پادشاه در سعدیه شیراز که پیش‌تر محل زندگی او بود و اکنون وعده‌گاه شعردوستان است، خاک سپرده شد.

گلستان و بوستان با حکایات و روایاتی عبرت‌انگیز که یک دوره کامل حکمت عملی و سبک زندگی را در بردارد، اگر بخواهیم به کار بسته شود نیک‌بختی این جهان و رستگاری آن جهان را فراهم می‌آورد.

بزرگان بر این عقیده‌اند که بر هر پدر و مادر ایرانی لازم است که فرزندان خود را پسر یا دختر ناگزیر سازند که در آغاز دوران زندگی چند اثر نظم و نثر پارسی را بخوانند و قسمت‌های ارزنده آن را حفظ کنند و فکر و حس خود را با شیوه شیرین آن نیرو بخشند.

شیخ اجل سعدی برای راهنمایی و سعادت انسان‌ها از هیچ کوششی دریغ نکرده است؛ گاهی سلاطین و حکام را به بذل و بخشش دعوت کرده و

عدل و انصاف را وظیفه آنان شناخته و گوشزد می‌کند که چوپان برای خدمت به گوسفندان است و پادشاهان نیز مانند چوپان بایستی نگهبان و در خدمت مردم باشند.

زمانی هم به آنان یادآور می‌شود که پیشرفت و آبادانی کشور در رضایت‌مندی مردم نهفته است و نارضایتی آنان، تیشه بر ریشه ملک و سلطنت می‌زند.

هر کسی آزاد به دنیا آمده و فقط در برابر خالق خویش، بنده است. حتی سعدی، باز که بردگان را می‌خرند، گوشزد می‌کند که حق ستم بر آنان را ندارند.

شیخ اجل درودیشان را که هم مسلکان اویند می‌ستاید و از آنان صفا و پاکی می‌خواهد، اما عیاه و تنبگ برخی از درویشان را که برای فریب مردم لباس درویشی پوشیده‌اند را نمی‌پسندد، به قناعت دستور می‌دهد اما توانگری را می‌ستاید.

خاموشی را برمی‌گزیند لکن در هنگام مصلحت سخن گفتن را لازم و واجب می‌شمارد، از جوانان شرم و حیا تخر دارد، با وجود این آنان را به ترک لذات و اعراض از عشق توصیه نکرده است.

پیران را که به ضعف دچارند، به آتش حرص و سهوئی که در درویشان شعله‌ور شده متوجه می‌کند که مبادا میل و هوس جوانی به ایشان بزند.

سعدی به صوفیان ارادت خاصی می‌ورزد اما زهد و تقوی را فقط در قالب لباس و عبادت وابسته نمی‌داند و هم‌چنین همه را به این مسلک دعوت نمی‌کند. تنها می‌خواهد همه فرمانبر خدا و نگهبان خلق باشند.

آن‌گاه سعدی به بیان آداب معاشرت و حسن تربیت می‌پردازد و هرچه لازمه هر طبقه‌ای باشد، بی‌کم و کاست بیان می‌کند.

گاه از راه انتقاد وارد می‌شود، گاهی نیز خصلت خوب را برمی‌گزیند و مورد ستایش قرار می‌دهد. از نظر شیخ مبنای اخلاق و فطرت آدمی تعدیل‌میل‌هاست.

هم چنین سعدی عقیده دارد حرص و طمع نخستین عواملی هستند که ما را در برابر میل و هوس هایمان تسلیم می کنند و مایه ننگ و دود همتی می شوند، لکن با قناعت و صبر می توانیم میل و هوس خود را تعدیل کنیم و در پی شکم پارگی و شهوت پرستی نرویم.

سعدی در خاطراتش می فرماید: در اطراف عالم بسیار سیاحت کردم. با هر کسی روزگار گذراندم، به هنگام گردش در هر ناحیه بهره ای از معرفت اندوختم، دریغم آمد که از آن همه دیار به نزد دوستان دست خالی برگردم؛ با خود گفتم از مصر شکر به ارمغان می آورند، پس من نیز سخن هایی شیوا و رسا می برم. از

قند شیرین نرند و مردم با شنیدن آن، ذائقه روح را حلاوت بخشند و از آن نسخه ها بگیرند. من به شهر ثبت کنند و بخوانند و بهره مند شوند. در این کتاب گلهائی که کنجینه ای مالا مال از گوهرست، هشت باب تربیت را شرح دادم:

باب اول: در باب عادت و رفتار پادشاهان

باب دوم: در بیان اخلاق و روش و روش ایشان

باب سوم: فضیلت قناعت را می فهماند

باب چهارم: فوائد سکوت و خاموشی را می رساند

باب پنجم: در بیان عشق و جوانی

باب ششم: ضعف و پیری را می فهماند

باب هفتم: در بیان مؤثر واقع شدن تربیت است

باب هشتم: آداب و روش مصاحبت با خلق را می فهماند.

سعدی می فرماید: همه ابیات این کتاب خوب و لطیف نیستند؛ لباس خواه حریر باشد، خواه دیبای چینی، در میانش پنبه و پشمی وجود دارد. اگر در گفتار من سخن شیوا و پسندیده ای نیافتی جوش مزین، بلکه بزرگواری کن و نقص و نارسائی آن را پنهان دار. از تو تقاضای عفو و چشم پوشی دارم و چنین شنیده ام که در روز قیامت مردم به آمرزش گناهان خود امیدوارند و

خداوند بخشنده به خاطر اعمال نیک از بدی‌ها چشم می‌پوشد. تو نیز ای شنونده اگر در گفته‌های من قصور و بدی‌ای دیدی، خلق و خوی آفریدگار را شیوه خود ساز و مانند خداوند رفتار کن؛ زیرا پروردگار یکتا زشتی‌های ما را می‌بیند و آن‌ها را می‌پوشاند.

به حول و قوه الهی پس از انتشار این مجموعه، کندوکاو در گزیده اشعار زیبای بوستان سعدی مورد نظر نویسنده خواهد بود. امید که مقبول طبع صاحب‌نظران واقع گردد.

با احترام- مؤلف